

تأثیر جنسیت بر استفاده از افعال در بازنویسی داستان طوطی و بازرگان مولوی از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانکش اندیشگانی

ابوالفضل موچانی

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه سمنان

abo.mouchani@gmail.com

چکیده:

زبان و جنسیت از موضوعاتی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران شاخه‌های گوناگون دانش قرار گرفته است. دستور سیستمی - نقشی هلیدی، یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی است که امکان این بررسی را فراهم می‌سازد. در این پژوهش با استفاده از این نظریه و به روش توصیفی - تحلیلی سعی شده است بازنویسی‌های داستان طوطی و بازرگان مثنوی به لحاظ افعال جنسیتی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در بازنویسی‌های مردان و زنان از این داستان تفاوت مشهودی در کاربرد افعال به نظر نیامد و در هر دو دسته بازنویسی، فرایندهای مادی و کلامی به ترتیب، بیشترین بسامد را دارند.



کلیدواژه‌ها: زبان جنسیت، بازنویسی، مثنوی، داستان طوطی و بازرگان، دستور نقش‌گرای نظام‌مند.

۱. مقدمه

یکی از کارکردهای دستور نقش‌گرا، بررسی و تحلیل آثار ادبی است. نویسنده با انتخاب‌هایی که انجام می‌دهد، می‌تواند خواننده را به سویی که می‌خواهد، هدایت کند (سیمپسون، ۲۰۰۴: ۲۲). در دستور نقش‌گرا، زبان دارای سه فرانکش است. فرانکش اندیشگانی، اندیشه و جهان‌بینی فرد را بازنمایی می‌کند. وقوع فرایندها می‌تواند بازنمایی‌کننده‌ی نگاه نویسنده به دنیای اطرافش، به رویدادها و تفکر وی نسبت به دنیای بیرون باشد. این مقاله در نظر دارد با روش تحلیلی - آماری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی فرایندهای به‌کار رفته در بازنویسی‌های انجام شده از داستان طوطی و بازرگان مولوی توسط مردان و زنان براساس مفاهیم مطرح در فرانکش اندیشگانی و نظام گذرایی پردازد.

بر این اساس، این مقاله در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱- میزان کاربرد فرایندها و بسامد آنها در داستان طوطی و بازرگان مولوی و بازنویسی‌های آن، توسط نویسندگان مرد و زن چگونه است؟

۲- چه تفاوتی در نوع و بسامد فرایندهای مورد استفاده توسط مولوی و نویسندگان دیگر که داستان را بازنویسی کردند، وجود دارد؟

۳- چه تفاوتی میان نویسندگان مرد و زن در استفاده از فرایندها وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

راجر فاولر معتقد است که دستور نقش‌گرا، الگوی مناسبی برای مطالعه ادبیات است (فاولر، ۱۳۹۶: ۲۵). تولان نیز دستور نقش‌گرای هلیدی را از دستورهای معنامحور و کارآمد می‌داند که در تحلیل متون ادبی کاربرد دارد (تولان، ۱۳۹۳: ۱۹۵).

برخی پژوهش‌های خارجی انجام شده در حوزه تحلیل متون ادبی با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانقش‌اندیشگانی:

هلیدی^۱ (۱۹۷۱) به بیان نمونه‌هایی از گفتار یکی از شخصیت‌های بدوی داستان «وراث^۲» اثر ویلیام گلدینگ^۳ که روابط علت و معلولی را به‌درستی متوجه نمی‌شود، می‌پردازد و می‌گوید که گفتار این فرد نشان‌دهنده ناتوانی این فرد در تجربه کردن جهان بیرون است. هلیدی از طریق فرانقش‌اندیشگانی، گفتار این فرد را تحلیل می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این شخصیت بدوی از درک درست محیط اطرافش، عاجز است.

برتون^۴ (۱۹۸۲) در تحلیل متنی از رمان «طین زنگ^۵» نوشته‌ی سیلویا پلات^۶، از نظام‌گذاری و بررسی فرایندها استفاده کرد. او با تحلیل فرایندها به این نتیجه رسید که شخصیت اول داستان، منفعل است و نقش کنش‌گری ندارد. رقیه حسن^۷ (۱۹۸۹) در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و از منظر فرانقش‌اندیشگانی، شعری از لس موری^۸ را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. پرسامدترین فرایند در این شعر، فرایند مادی است و فرایند کلامی در این شعر استفاده نشده است. حسن از طریق تحلیل فرایندهای به‌کاررفته در این شعر، تنهایی و جدایی پیرمرد از مردم را مشهود می‌داند.

برخی از پژوهش‌های ایرانی انجام شده در حوزه تحلیل متون ادبی با استفاده از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و رابطه آن با جنسیت:

رضایی^۹ (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود، به رابطه‌ی میان جنسیت و گزینش واژه‌ها در اشعار سیمین بهبهانی، فروغ فرخ‌زاد، سهراب سپهری و احمد شاملو، از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانقش‌اندیشگانی پرداخته است. او در پایان به این نتیجه می‌رسد که زنان و مردان تفاوت قابل توجهی در استفاده از فرایندها ندارند.

نبی‌لو^{۱۰} (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «بررسی و تحلیل «نی‌نامه» سروده مولوی بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سازگانی»، به بررسی شعر نی‌نامه از مثنوی مولوی براساس فرانقش‌اندیشگانی پرداخته است و فرایندها، مشارکان و افزوده‌های حاشیه‌ای را مشخص کرده است. در میان فرایندها، فرایند رابطه‌ای بیشترین بسامد را داشته است.

رضویان و احمدی^{۱۱} (۱۳۹۵) در مقاله «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه‌ی جزئیات در داستان براساس دستور نقش‌گرا»، در چارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی و فرانقش‌اندیشگانی به بررسی مقابله‌ای میزان افزوده‌های حاشیه‌ای در دو داستان «تیلای شکسته» نوشته‌ی سیمین دانشور و داستان «همانطور که بود» نوشته‌ی جعفر مدرس صادقی می‌پردازند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که دانشور نسبت به مدرس صادقی از افزوده‌های کمتری استفاده کرده است، ولی تنوع افزوده‌های به‌کاررفته در آثار او بیشتر است.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۳-۱ دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی

یکی از بهترین الگوها برای تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی نقش‌گرا، دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۹ است که توسط مایکل هلیدی مطرح شد. سیستم از مفاهیمی بنیادی است که در دستور نقش‌گرا مطرح است. زبان در این دستور بصورت سیستمی از معناها در نظر گرفته می‌شود که با صورت همراه می‌شود. (هلیدی، ۱۹۸۵: xxvii).

واحد مطالعه در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، بند^{۱۰} است و بند از نظر معنایی دارای سه لایه‌ی جدا، ولی در ارتباط باهم است که فرانقش^{۱۱} نامیده می‌شوند؛ این سه لایه‌ی معنایی عبارتند از: ۱- فرانقش‌اندیشگانی (تجربی) ۲- فرانقش بین فردی ۳- فرانقش متنی (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۴).

۳-۱-۱ فرانقش‌اندیشگانی

فرانقش‌اندیشگانی، تجربه‌ی فرد را از جهان درون و بیرون به مفهوم تبدیل کرده، مقوله‌بندی می‌کند و آن را بیان می‌کند. فرانقش‌اندیشگانی، تجربه‌های جهان را در قالب شش فرایند، بازنمایی می‌کند. (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۰-)

(۱۷۱). عناصر هر فرایند عبارتند از: ۱- خود فرایند^{۱۲}، ۲- مشارکان (شرکت‌کننده‌ها^{۱۳})، ۳- شرایط و چگونگی انجام فرایند (افزوده‌های حاشیه‌ای^{۱۴}) (تامسون^{۱۵}، ۲۰۰۴: ۸۹).

انواع فرایندها

فرایندهای اصلی شامل فرایند مادی، فرایند ذهنی و فرایند رابطه‌ای هستند. فرایندهای فرعی شامل فرایند رفتاری و فراین دستور نقش‌گرای دستور نقش‌گرای د کلامی و فرایند وجودی هستند. فرایندهای فرعی در مرز میان فرایندهای اصلی هستند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۰-۱۷۱).

فرایند مادی^{۱۶}

فرایندهای مادی، اعمال و کارهای فیزیکی و دارای کنش هستند. افعالی مثل: آمدن، رفتن، رخ دادن، نوشتن، تکان دادن و ... فرایندهای مادی را بازنمایی می‌کنند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۷۹-۱۹۰).

فرایند ذهنی^{۱۷}

فرایندهای ذهنی به تجربیات ما از دنیای خودآگاهی خودمان مرتبط هستند، ولی فرایندهای مادی به تجربه ما از جهان بیرون مرتبط هستند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۱۹۷). فرایندهای ذهنی، مواردی همچون احساسات، ادراکات، شناخت، تفکرات و واکنش‌های ذهنی را دربر می‌گیرند. افعالی مثل: فکر کردن، خوشحال شدن، درک کردن، فهمیدن، شناختن، خواستن، دوست داشتن، تصمیم گرفتن، ترسیدن و ... فرایند ذهنی را بیان می‌کنند (همان: ۲۱۰).

فرایند رابطه‌ای^{۱۸}

فرایند رابطه‌ای، به شناسایی یا توصیف پدیده‌ها می‌پردازد و ارتباط میان دو پدیده یا دو چیز را با یکدیگر، نشان می‌دهد. فرایند رابطه‌ای، معمولاً با افعال ربطی نشان داده می‌شود. افعالی مثل: شدن، بودن، تبدیل شدن، به‌نظر رسیدن، شبیه بودن و ... فرایند رابطه‌ای را بیان می‌کنند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۱۰-۲۲۸).

فرایند رفتاری^{۱۹}

فرایند رفتاری، فرایندی فرعی است که در مرز میان فرایندهای مادی و ذهنی قرار دارد. فرایند رفتاری، رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان را بیان می‌کند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۴۸). افعالی مثل: نفس کشیدن، نگاه کردن، گریه کردن، نشستن، لبخند زدن، آواز خواندن و ... فرایند رفتاری را نشان می‌دهند.

فرایند کلامی^{۲۰}

به‌طور کلی فرایند کلامی (بیانی)، مفهوم گفتن را بیان می‌کند. فرایند کلامی، فرایندی فرعی است که در مرز میان فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار دارد. افعالی مثل: گفتن، پرسیدن، دستور دادن، صحبت کردن، حرف زدن، گزارش دادن و ... فرایند کلامی را بیان می‌کنند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۲-۲۵۶).

فرایند وجودی^{۲۱}

بودن یا وجود داشتن چیزی، به‌وسیله‌ی فرایند وجودی بیان می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۵۶). فرایند وجودی، فرایندی فرعی است که در مرز میان فرایندهای مادی و رابطه‌ای، قرار دارد. افعالی مثل: بودن (در معنای وجود داشتن)، وجود داشتن، باقی ماندن، ظاهر شدن، آویزان بودن و ... فرایند وجودی را بیان می‌کنند.

زبان‌شناسی اجتماعی^{۲۲}

زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعه زبان در بافت جامعه است. در جامعه، گونه‌های زبانی مختلفی وجود دارند. در زبان‌شناسی

اجتماعی تاثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و ... بر رفتار زبانی گویشوران بررسی می‌شود (کوتس، ۱۹۸۶: ۴).

جنسیت

جنس^{۲۳} تا حدود زیادی، زیستی تشخیص داده می‌شود در حالی که جنسیت^{۲۴} یک پدیده اجتماعی است. به طوری که وداک^{۲۵} (۱۹۹۷) می‌گوید، ویژگی‌های فرد، جنسیت او را مشخص نمی‌کند بلکه اعمال و رفتار اوست که جنسیت او را تعیین می‌کند (وارداف،^{۲۶} ۲۰۰۶: ۳۱۵). در مباحث اجتماعی زبان، مانند بسیاری از پژوهش‌های علوم اجتماعی، تاکید بیشتر بر جنسیت است تا جنس. زیرا جنسیت مقوله‌ای است اجتماعی-فرهنگی در حالی که جنس جنبه‌ی زیست‌شناختی و اندامی دارد (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

درباره تفاوت در رفتار زبانی زنان و مردان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. نقش متفاوت مردان و زنان منجر به کاربرد متفاوت زبان در بین آن‌ها می‌شود. هرچند در جوامع امروزی، مردان و زنان به طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند، اما به نظر می‌رسد در برخی از زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری دارند. این امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معین میان این دو گروه می‌شود (هلمز^{۲۷}، ۱۹۸۶: ۱-۲۱).

ادعای دیگری که برای تبیین تفاوت رفتار زبانی زنان و مردان مطرح است بر این اساس است که بهترین راه شناخت سازمان اجتماعی، تلقی آن به عنوان مجموعه‌ای سلسله‌مراتبی از روابط قدرت است. در این دیدگاه رفتار زبانی در جامعه بازتاب‌کننده‌ی روابط قدرت می‌باشد. لیکاف^{۲۸} (۱۹۷۵) بر این ادعا که مردان غالب و زنان فاقد قدرت، صحنه می‌گذارد (وارداف، ۱۳۹۳: ۵۱۹).

از نظر لیکاف (۱۹۷۵: ۵۴-۵۲) گفتار زنان و مردان تفاوت‌هایی دارند؛ برخی از مشخصات گفتار زنان از نظر لیکاف عبارتند از:

۱) کاربرد فراوان تردیدنماها^{۲۹}؛ تردیدنماها حس تردید و درنگ گوینده را بیان می‌کنند. در زبان فارسی واژه‌هایی از قبیل: می‌دونی، خب، شاید و ... از جمله‌ی تردیدنماها هستند.

۲) کاربرد فرم‌های مؤدبانه‌ی زبان و پرهیز از کاربرد واژه‌های زشت (دشوآه‌ها^{۳۰}).

۳) استفاده از قیدهای تشدیدکننده^{۳۱} در زبان مانند «خیلی».

۴) استفاده از صفات تهی^{۳۲} مانند «دوست داشتنی»؛ این صفات به این دلیل تهی نامیده می‌شوند که با وجود اینکه مانند بقیه‌ی صفات، اسم را توصیف می‌کنند، برای آن‌ها نمی‌توان معنای صریح و دقیقی تعریف کرد.

۵) کاربرد بیشتر نقل قول مستقیم؛

۶) زنان دارای واژگان ویژه‌ی خود هستند که مردان از به کار بردن آن‌ها خودداری می‌کنند. در زبان فارسی واژه‌هایی مانند: اوا خواهر، اوا خاک عالم، خدا مرگم بده و ...

۷) زنان از کاربرد زبان خشن یا مردانه خودداری می‌کنند. در زبان زنان بیان عواطف و احساسات بیشتر از زبان مردان است.

۸) استفاده از گفتار غیرمستقیم برای درخواست.

مثنوی مولوی و بازنویسی:

مثنوی مولوی به سبب ساختار داستانی‌اش، همواره مورد توجه بوده است. مثنوی مولوی، یکی از آثار حوزه ادبیات تعلیمی است که با پیام‌های خاص اخلاقی، انسان را به سوی کمال و مدارج عالی رهنمون می‌سازد. با بازنویسی مناسب و متناسب با ظرفیت گروه‌های سنی مختلف از جمله نوجوانان، می‌توان آن‌ها را با مفاهیم تربیتی آشنا کرد. روش ساده کردن متون (بازنویسی) در زمان خود برای در دسترس قرار دادن متون کهن فارسی به نوسوآدان و کم سوآدان گامی مثبت تلقی می‌شود (نجفی بهزادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۳).

در بازنویسی داستان‌های کهن علاوه بر ساده شدن زبان، داستان‌ها در قالب و ساختار جدیدی ارائه می‌شوند (پایور، ۱۳۸۰: ۷). داستان‌های مثنوی اغلب از قصه‌های تو در تو تشکیل شده‌اند. قصه اصلی همچنان در میان است که حکایت تازه‌ای آغاز می‌شود. میان اپیزودهای میانی پیوستگی وجود ندارد و گاهی طولانی شدن قصه‌های فرعی باعث فراموش شدن روایت اصلی می‌شود. ذهن سیال مولوی و اندیشه موج او در طول حکایت‌ها، سر رشته سخن را از اختیارش خارج می‌سازد. بنابراین خوانش قصه‌های تو در تو و فهم اندیشه سیال مولانا برای گروه سنی نوجوان چندان ساده نیست. پس مناسب است داستان‌های مثنوی به صورت اپیزودهای مستقلی بازسازی شوند تا خواننده میان حکایت‌های تو در تو مثنوی سرگردان نباشد (نجفی بهزاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۴). در پژوهش حاضر با توجه به داستان‌های تو در تو در متن اصلی داستان طوطی و بازرگان، قصه‌های جنبی در نظر گرفته نشده است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانطور که در مقدمه مقاله اشاره شد، داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولوی و بازنویسی این داستان توسط چهار نویسنده مرد و چهار نویسنده زن بررسی شده است. ابتدا تمام افعال موجود در متون استخراج و فرایندهای به‌کاررفته در هریک از آنها مشخص و انواع فرایندها، براساس طبقه‌بندی هلیدی، گروه‌بندی شده‌اند.

بررسی فرایندهای موجود در داستان طوطی و بازرگان در مثنوی معنوی، سروده‌ی مولوی و بازنویسی‌های

داستان:

هر غلام و کنیزک را ز جود گفت (کلامی) بهر تو چه آرم (مادی) گوی (کلامی) زود (مولوی، ۱۳۹۰: ۷۲).

هریک از وی مرادی خواست کرد (کلامی) جمله را وعده داد (کلامی) آن نیک مرد (همان: ۷۲).

گفت (کلامی) طوطی را چه خواهی (ذهنی) ارمغان که آرمت (مادی) از خطه‌ی هندوستان (همان: ۷۲).

در این بیت فعلی که فرایند را نشان می‌دهد، محذوف است:

ای جفای تو ز دولت خوب تر (است، رابطه‌ای) و انتقام تو ز جان محبوب تر (است، رابطه‌ای) (همان: ۷۳).
نار تو این است (رابطه‌ای) نورت چون بود (رابطه‌ای) ماتم این (است، رابطه‌ای) تا خود که سورت چون بود (رابطه‌ای) (همان: ۷۳).

چون که تا اقصای هندوستان رسید (مادی) در بیابان طوطی چندی بدید (ذهنی) (همان: ۷۴).
جان‌ها در اصل خود عیسی دم است (رابطه‌ای) یک دمش رحم است (رابطه‌ای) و دیگر مرهم است (رابطه‌ای) (همان: ۷۴).

صبر باشد (رابطه‌ای) مشتهای زیرکان هست (رابطه‌ای) حلوا آرزوی کودکان (همان: ۷۴).
روزی روزگاری، در شهری بازرگانی بود (وجودی) که مال و ثروت زیادی داشت (رابطه‌ای). خانه‌ی بازرگان بزرگ بود (رابطه‌ای) و چندین خدمتکار در آن کار می‌کردند (مادی). علاوه بر این‌ها بازرگان یک طوطی زیبا هم داشت (رابطه‌ای). طوطی پره‌های سبز و سرخ داشت (رابطه‌ای) و خیلی خوب و شیرین حرف می‌زد (کلامی) (فتاحی، ۱۳۹۶: ۴). وقتی بازرگان به خانه می‌آمد (مادی)، کنار قفس طوطی‌اش می‌نشست (رفتاری) و با او حرف می‌زد (کلامی). او از حرف زدن طوطی خیلی خوشش می‌آمد (ذهنی) (همان: ۴).

یکی بود (وجودی) و یکی نبود (وجودی) زیر گنبد کبود جز خدای مهربون دیگه هیچکس نبود (وجودی) اون زمونای قدیم توی شهری باصفا تاجری خونه‌ای داشت (رابطه‌ای) جایی خوش آب و هوا تاجر قصه‌ی ما کار و بارش بد نبود (رابطه‌ای) آخه تو کاسبی حقه را بلد نبود (ذهنی) مردی صاف و ساده بود (رابطه‌ای) (مردانی، ۱۳۹۷: ۱).

یک روز تاجر ما گفت (کلامی) می‌خواد (ذهنی) بره (مادی) سفر. که باید رد بشه (مادی) از راهی دور و پر خطر به

سوی دیار هند. بار و بندیلشو بست (مادی) تو دل همسر اون غم این سفر نشست (ذهنی) (همان: ۳).
بازرگان از طوطی پرسید (کلامی) چه سوغاتی از هند برایت بیاورم (مادی) طوطی گفت (کلامی) اگر در هند به
طوطیان رسیدی (مادی) حال و روز مرا برای آن‌ها بگو (کلامی). بگو (کلامی) که من مشتاق دیدار شما
هستم (ذهنی) (مهری، ۱۳۹۶: ۸۰).

چرا گفتم (کلامی) و این بیچاره را کشتم (مادی). زبان در دهان مثل سنگ و آهن است (رابطه‌ای). سنگ و آهن را
بیهوده بر هم نزن (مادی) که از دهان آتش بیرون می‌پرد (مادی). جهان تاریک است (رابطه‌ای) مثل پنبه زار، چرا در پنبه
زار آتش می‌اندازی (مادی) (همان: ۸۲).

در زمان‌های قدیم، بازرگانی ثروتمند یک طوطی سخنگو و زیبا داشت (رابطه‌ای). بازرگان این طوطی را در قفس
زندانی کرده بود (مادی) و هر وقت که می‌خواست (ذهنی) با او حرف می‌زد (کلامی). روزی بازرگان تصمیم
گرفت (ذهنی) که برای سفری به هندوستان برود (مادی) (بشیری، ۱۳۹۲: ۳۵).

بازرگان از آنجا رفت (مادی)، کارهای تجاری خود را در هند به انجام رساند (مادی) و به سوی خانه و کاشانه‌ی
خود حرکت کرد (مادی) (همان: ۳۷).

اما بازرگان که هنوز از اتفاق افتاده، ناراحت بود (ذهنی)، نمی‌خواست (ذهنی) سخنی به زبان بیاورد (کلامی). طوطی
که متوجه ناراحتی بازرگان شده بود (ذهنی)، از او تقاضا کرد (کلامی) که هر آنچه دیده (ذهنی) و شنیده است (ذهنی)،
برای او بیان کند (کلامی) (همان: ۳۷).

ناگهان یکی از طوطی‌ها لرزید (مادی) و بر زمین افتاد (مادی). بازرگان از رساندن پیام پشیمان شد (ذهنی) و با
ناراحتی به راهش ادامه داد (مادی). مدتی در هندوستان ماند (وجودی)، کار تجارت را که تمام کرد (مادی)، به شهر خود
بازگشت (مادی) و به هریک از غلامان و کنیزها هدیه‌هایی را که سفارش کرده بودند (کلامی)، داد (مادی) (همایی، ۱۳۸۹).
بازرگان طوطی شیرین سخنش را درون قفس طلایی بزرگی می‌گذاشت (مادی) و هر روز همراه خودش به حجره
می‌برد (مادی). روزی از روزها بازرگان به طوطی گفت (کلامی) ای طوطی عزیز می‌خواهم (ذهنی) به سرزمین هندوستان
سفر کنم (مادی) چه دوست داری (ذهنی) از این سفر برایت سوغات بیاورم (مادی) (چاوشی، ۱۳۸۹: ۱).

بازرگان بعد از خداحافظی از دوستان و طوطی به سوی هندوستان حرکت می‌کند (مادی) و قبل از بازگشت به شهرش
به سوی جنگلی که در نزدیکی شهر دهلی است می‌رود (مادی) (همان: ۴).

روزی از روزها مرد بازرگان خواست (ذهنی) به سفر برود (مادی). او قصد داشت (ذهنی) برای تجارت به کشور
هندوستان سفر کند (مادی). مرد بازرگان از خانواده و خدمت‌گزارهایش پرسید (کلامی) که دوست دارند (ذهنی) برای
سوغاتی چه چیزی برایشان بیاورد (مادی). (علی‌زاده لوشابی، ۱۳۹۳: ۵۴).

سلام و پیغام من را به دوستانم رساندی (کلامی). مرد بازرگان با ناراحتی گفت (کلامی) بله، پیغام تو را به دوستانت
رساندم (کلامی)، اما کاش این کار را نکرده بودم (مادی). از این کارم خیلی پشیمان شدم (ذهنی). طوطی پرسید (کلامی)
چرا از کارت پشیمان شدی (ذهنی) مگر چه اتفاقی افتاد (مادی) (همان: ۵۹).

مرد بازرگان رفت (مادی) و رفت (مادی) از کوه و دشت گذشت (مادی) تا به هندوستان رسید (مادی). هرچه
داشت (رابطه‌ای) به سود فروخت (مادی) و هرچه خواست (ذهنی) به قیمت خرید (مادی) (فولادوند، ۱۳۸۲: ۱۴).

تحفه و سوغات فراوان در بار بست (مادی) و وقت برگشت یاد خواهش و سفارش طوطی افتاد (ذهنی). بار و بنه
وانهاد (مادی) و رو به راه جنگل نهاد (مادی). وقتی رسید (مادی)، ساعتی مات و مبهوت تماشا می‌کرد (رفتاری) که تا
آن روز، جایی به آن زیبایی ندیده بود (ذهنی) (همان: ۱۷)

جدول ۱. فراوانی و درصد فرایندهای داستان طوطی و بازرگان سروده‌ی مولوی

نوع فرایند	فراوانی	درصد
مادی	۱۲۷	۳۰٪/۵۲
رابطه‌ای	۱۳۱	۳۱٪/۱۴

تأثیر جنسیت بر استفاده از افعال در بازنویسی داستان طوطی و بازرگان مولوی از منظر دستور نقش‌گرای ... / ۱۴۱۵

۱۳٪/۴۶	۵۶	ذهنی
۳٪/۳۶	۱۴	رفتاری
۱۶٪/۵۸	۶۹	کلامی
۴٪/۵۶	۱۹	وجودی
۱۰۰٪	۴۱۶	جمع کل

جدول ۲. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی حسین فتاحی

درصد	فراوانی	نوع فرایند
٪۴۲/۷۸	۸۶	مادی
۱۰٪/۹۴	۲۲	رابطه‌ای
۱۲٪/۴۳	۲۵	ذهنی
۵٪/۹۷	۱۲	رفتاری
۲۴٪/۸۷	۵۰	کلامی
۲٪/۹۸	۶	وجودی
۱۰۰٪	۲۰۱	جمع کل

جدول ۳. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی مهدی مردانی

درصد	فراوانی	نوع فرایند
۴۴٪/۸۵	۴۸	مادی
۱۳٪/۰۸	۱۴	رابطه‌ای
۱۰٪/۲۸	۱۱	ذهنی
۲٪/۸۰	۳	رفتاری
۲۴٪/۲۹	۲۶	کلامی
۴٪/۶۷	۵	وجودی
۱۰۰٪	۱۰۷	جمع کل

جدول ۴. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی مجید مهری

درصد	فراوانی	نوع فرایند
۳۷٪/۳	۴۷	مادی
۱۹٪	۲۴	رابطه‌ای
۹٪/۵	۱۲	ذهنی
۳٪/۶	۵	رفتاری
۲۶٪/۹	۳۴	کلامی
۳٪/۱	۴	وجودی
۱۰۰٪	۱۲۶	جمع کل

جدول ۵. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی علی اصغر بشیری

درصد	فراوانی	نوع فرایند
۳۴٪/۲	۵۲	مادی
۷٪/۲	۱۱	رابطه‌ای
۱۸٪/۴	۲۸	ذهنی
۴٪/۶	۷	رفتاری
۳۲٪/۱۸	۵۰	کلامی
۲٪/۶	۴	وجودی
۱۰۰٪	۱۵۲	جمع کل

جدول ۶. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی رقیه همایی

نوع فرایند	فراوانی	درصد
مادی	۳۲	۳۸٪/۰۹
رابطه‌ای	۸	۹٪/۰۵۲
ذهنی	۱۱	۱۳٪/۰۹
رفتاری	۳	۳٪/۰۵۷
کلامی	۲۶	۳۰٪/۹۵
وجودی	۴	۴٪/۷۶
جمع کل	۸۴	۱۰۰٪

جدول ۷. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی زهرا چاوشی

نوع فرایند	فراوانی	درصد
مادی	۴۴	۴۴٪/۴۴
رابطه‌ای	۱۱	۱۱٪/۱۱
ذهنی	۹	۹٪/۰۹
رفتاری	۸	۸٪/۰۸
کلامی	۲۴	۲۴٪/۲۴
وجودی	۳	۳٪/۰۳
جمع کل	۹۹	۱۰۰٪

جدول ۸. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی مرجان فولادوند

نوع فرایند	فراوانی	درصد
مادی	۸۷	۳۳٪/۸۵
رابطه‌ای	۴۲	۱۶٪/۳۴
ذهنی	۲۸	۱۰٪/۸۹
رفتاری	۲۰	۷٪/۷۸
کلامی	۶۵	۲۵٪/۲۹
وجودی	۱۵	۵٪/۸۳
جمع کل	۲۵۷	۱۰۰٪

جدول ۹. فراوانی و درصد فرایندهای بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، نوشته‌ی زینب علی زاده لوشابی

نوع فرایند	فراوانی	درصد
مادی	۶۲	۴۱٪/۳
رابطه‌ای	۱۷	۱۱٪/۳۳
ذهنی	۲۱	۱۴٪
رفتاری	۱۱	۷٪/۳۳
کلامی	۳۷	۲۴٪/۶
وجودی	۲	۱٪/۳۳
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰٪

همان‌طورکه در جدول (۱) نشان داده شده است، پربسامدترین فرایند در متن اصلی داستان طوطی و بازرگان،

فرایند رابطه‌ای است. بسامد بالای فرایند رابطه‌ای، طبق دیدگاه هلیدی، از ویژگی‌های متونی است که دارای جنبه‌های روایتی هستند (هلیدی و متیسون، ۱۹۸۵: ۱۷۴). استفاده فراوان از فرایند رابطه‌ای، نشان می‌دهد که توصیف و شناسایی فضای داستان به خوبی برای مخاطب انجام شده است؛ و ویژگی‌های موقعیت‌ها به خوبی به شرکت‌کنندگان در فرایندها نسبت داده شده‌اند. دومین فرایند پربسامد در متن اصلی داستان، فرایند مادی است. از آنجاکه هدف اصلی مولوی در داستان طوطی و بازرگان، تعلیم و تربیت است، با استفاده از فرایند مادی، متن داستان را برای مخاطب و خواننده ملموس‌تر و قابل‌درک‌تر کرده است. همانطور که هلیدی باور داشته است، یکی از ویژگی‌های متون آموزشی و بیان‌کننده دستورالعمل، استفاده فراوان از فرایند مادی است (هلیدی و متیسون، ۱۹۸۵: ۱۷۴).

هم زنان و هم مردان، در بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، از فرایند مادی بیش از سایر فرایندها استفاده کرده‌اند؛ درحالی‌که در متن اصلی داستان طوطی و بازرگان سروده‌ی مولوی، فرایند مادی دومین فرایند پربسامد (۳۰٪/۵۲) است. استفاده فراوان از فرایند مادی دیدگاه واقع‌گرایانه نویسندگان را نشان می‌دهد؛ چون نویسندگان برای انگاره‌سازی جهان بیرون با استفاده از ابزار فرانش تجربی یعنی نظام گذرایی دست به انتخاب و استفاده بیشتر از فرایند مادی زده‌اند. از آنجاکه فرایند مادی، بیشتر برای انتقال مفاهیم کنشی و عینی کاربرد دارد، این نتیجه‌گیری موجه به نظر می‌رسد (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

در بازنویسی‌های انجام شده توسط زنان و مردان، فرایند کلامی، دومین فرایند پربسامد است. درحالی‌که در متن اصلی داستان طوطی و بازرگان سروده‌ی مولوی، فرایند کلامی، سومین فرایند پربسامد است.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج عبارتند از:

- ۱- در بازنویسی‌های بررسی شده در این پژوهش، تفاوت قابل توجه بین میزان و نوع کاربرد فرایندها توسط مردان و زنان مشاهده نشد.
- ۲- هم زنان و هم مردان، در بازنویسی داستان طوطی و بازرگان، از فرایند مادی بیش از سایر فرایندها استفاده کرده‌اند.
- ۳- در بازنویسی‌های انجام شده، فرایند کلامی، دومین فرایند پربسامد است. (دی ۱۳۹۹)
- ۴- در متن اصلی داستان طوطی و بازرگان مولوی و در تمام بازنویسی‌های بررسی شده در این پژوهش، فرایندهای وجودی و رفتاری دارای پایین‌ترین بسامد هستند.
- ۵- برخلاف متن اصلی داستان طوطی و بازرگان مولوی که فرایند رابطه‌ای پربسامدترین فرایند است، در بازنویسی‌های انجام شده فرایند رابطه‌ای اولین و یا دومین فرایند پربسامد نیست.

منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد*، شماره ۱۴۹- تابستان ۱۳۸۴.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و رضویان، حسین (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان‌ها براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) علمی-پژوهشی*، سال چهارم، شماره اول، بهار، شماره‌ی پیاپی ۱۱، صص ۲۴۳-۲۵۴.
- بشیری، علی اصغر (۱۳۹۲). *حکایت‌های مثنوی*. تهران: انتشارات آریان.
- پایور، جعفر (۱۳۸۰). *شیخ در بوته*. تهران: انتشارات اشراقیه.

- تولان، مایکل (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی: درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی*. ترجمه: علوی، سیده فاطمه؛ نعمتی، فاطمه. تهران: انتشارات سمت.
- چاوشی، زهرا (۱۳۸۹). *طوطی و بازرگان*. مشهد: عروج اندیشه.
- رضایی، مرجان (۱۳۹۰). بررسی تاثیر جنسیت بر رویکرد شاعران معاصر فارسی زبان ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ، دانشگاه الزهرا.
- رضویان، حسین و مبارکی، ساجده (۱۳۹۲). «استعاره دستوری: شاخصی نو در تمایز زبان ادب و علم». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و یکم (۱۳۹۲)، صص ۱-۲۴.
- رضویان، حسین و احمدی، شیوا (۱۳۹۵). «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه‌ی جزئیات در داستان بر اساس دستور نقش‌گرا». *دو ماه نامه‌ی جستارهای زبانی*، ۷، ش ۶ (پیاپی ۳۴)، ویژه‌نامه‌ی پاییز ۱۳۹۵، صص ۳۴۳-۳۷۰.
- علی‌زاده لوشابی، زینب (۱۳۹۳). *قصه‌های پندآموز مثنوی معنوی*. قم: انتشارات هنارس.
- فاولر، راجر (۱۳۹۶). *زبان‌شناسی و رمان*. ویراست دوم، ترجمه: محمد غفاری، تهران: نشر نی.
- فتاحی، حسین (۱۳۹۶). *قصه‌های تصویری از مثنوی؛ ۱. طوطی و بازرگان*. تهران: نشر قدیانی.
- فولادوند، مرجان (۱۳۸۲). *طوطی و بازرگان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محمدی اشتهدادی، محمد (۱۳۸۳). *داستان‌های مثنوی*. بوشهر: موعود اسلام.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مردانی، مهدی (۱۳۹۷). *طوطی و بازرگان*. قزوین: نشر آریا نوین.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۹۰). *مثنوی معنوی*. از نسخه‌ی نیکلسون، تهران: انتشارات هرمس.
- مهری، مجید (۱۳۹۶). *قصه‌های پندآموز مثنوی معنوی*. قم: انتشارات الینا.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل «نی‌نامه» سروده مولوی بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سازگانی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، دوره‌ی ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- نجفی بهزادی، سجاد؛ صفری، جهانگیر و صادقی، اسماعیل (۱۳۹۴). «بررسی سهم نوجوانان از مفاهیم تعلیمی - تربیتی مثنوی (براساس داستان‌های بازنویسی شده جعفر ابراهیمی شاهد و احمد نفیسی از مثنوی)». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، سال سوم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۲-۷۵.
- همایی، رقیه (۱۳۸۹). *داستان‌های مثنوی*. قم: ابتکار دانش.
- وارداف، رونالد (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه‌ی رضا امینی، تهران: نشر بوی کاغذ.

منابع انگلیسی

- Burton, D. (1982). "Through Glass Darkly: Through Dark Glasses," In Carter, R. and Burton, D. (eds) (1982). **Literacy Text and Language Study**, London: Edward Arnold, 195-214.
- Coates, J. (1986) **Women, Men and Language**, New York, Longman.
- Halliday, M.A.K. (1985/1994/1998). **An Introduction to Functional Grammar**. London: Edward Arnold Limited.
- Halliday, M.A.K. & Matthiessen C. (2004), **An Introduction to Functional Grammar**. Third Ed. London: Edward Arnold Limited.
- Halliday, M.A.K. (1971). "Linguistic Function and Literary Style: An Inquiry into the Language of William Golding's *The Inheritors*," in S. Chatman ed.
- Hasan, R. (1989). **Linguistics, language and Verbal Art**. Oxford: Oxford University Press.
- Holmes, J. (1986). "Functions of you know in women's and men's speech". **Language in Society**. Volume 15, Issue 1, March 1986, pp. 1-21. Cambridge: Cambridge University press.
- James, D. and J. Darkich (1993). Understanding Gender Differences Amount of Talk: A Critical Review of Research. In Tannen (1993).
- Kramer, C. (1974). Wishy-Washy Mommy Talk. **Psychology Today**, 8(1): 5-82.
- Lakoff, R. (1973). **Language and Woman's place**. *Language in Society*, 2: 45-80.
- Lakoff, R. (1975). **Language and Woman's place**. New York: Harper & Row.
- Martin, J (1992). **English Text: System and Structure**. Amsterdam: John Benjamins.

- Mills, S. (2003). **Gender and Politeness**. Cambridge: Cambridge University Press.
Simpson, P. (2004). **Stylistics: A Resource Book for Students**. London: Routledge.
Taverniers, M. (2003). Grammatical Metaphor in SFL: A Historiography of the Introduction and Initial Study of the Term. In A. M. Simon-Vandenberg, M. Taverniers, & L. J. Ravelli (Eds.), *Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics* (pp. 5-33). Amsterdam: John Benjamins.
Wardhaugh, R. (2006). **An Introduction to Sociolinguistics**. Fifth Ed. Blackwell.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir